

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۳

صفحات: ۲۷-۳۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۴/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲

فضیلت اخلاقی قناعت در زندگی زن و مرد

سیدکاظم موسوی*

چکیده

قناعت همواره در متون اسلامی به عنوان یک ارزش اساسی مورد تاکید قرار گرفته و یکی از ابعاد الگوی مصرف اسلامی است که مایه بقا و توانایی و ایجاد یک زندگی ایده آل خواهد بود. این پژوهش با عنوان فضیلت اخلاقی قناعت در زندگی مردان و زنان درصدد بود، با استفاده از قرآن و احادیث و منابع اصیل اسلامی به صفت قناعت به عنوان فضیلت اخلاقی در زندگی بپردازد. در این تحقیق، به رابطه قناعت و حیات طیبه توجه و همچنین به عامل پسرفت یا پیشرفت بودن قناعت پرداخته شده است همچنین با عرضه روایات قناعت بر کتاب و سنت و نیز عرف جهانی سعی بر تبیین صحیح آن نموده و نیز جایگاه و نقش آنرا در زندگی مردان و زنان و آثار قناعت را بیان کرده و در پایان نتیجه گرفته شد که قناعت نسخه منحصر به فردی است که اسلام آنرا برای نیل به کمال در عرصه زندگی دنیوی و اخروی معرفی کرده است و درست در نقطه ی عکس گفتار عامیانه می باشد. که معنای قناعت را در زندگی با رنج و سختی می دانند بلکه قناعت، عبارت از درست و از روی برنامه زیستن است.

کلید واژگان: قناعت، زندگی، زن، مرد

* دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث قم، هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز (نویسنده مسئول)
skhoseni@yahoo.com

مقدمه

قناعت صفت نیکی است که باعث می شود که انسان از عزت نفس و وجدان شریف و اخلاق نیکو برخوردار باشد. شخص قانع، غنی ترین مردم می باشد. زیرا حقیقت غنی یعنی عدم نیازمندی به مردم و قانع، راضی و خشنود است و آنچه خدا به او روزی داده است را کافی می داند و لذا درخواست نمی کند مگر از خداوند تعالی. به همین جهت است که امام علی (علیه السلام) می فرماید «القناعه تغنی» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰ ح ۲۲) قناعت توانگری می آورد.

قناعت یک حالت نفسانی است که تمام صحنه های زندگی انسان را شامل می شود و گستره بسیار وسیعی از خوردن، پوشیدن، خواب و غیره را شامل می شود. در روایات، قناعت به معنای کفاف و رضایت به مقدار نیاز قلمداد شده است. بنابراین از نظر جامع بودن تعاریف، تعریف مسکویه و غزالی در باب قناعت، بهترین هستند. زیرا مسکویه قید تمام امور نفسانی را لحاظ نموده است که جامع همه مصادیق قناعت است. در روایت نیز، قناعت به نفس نسبت داده شده است. «أَلْهَمَ نَفْسَكَ الْقَنُوعَ» (محمدری شهری، ۱۳۶۳-۱۳۶۲ ج ۸ ص ۲۷۹).

غزالی نیز در تعریف خود حد کفاف را متذکر شده و کلام او تمام موارد را شامل می شود؛ البته از واژه هایی که در ادامه تعریف آورده از جمله واژه «تکدی» و «اسراف»، برداشت امور مالی می گردد زیرا به طور عمده تکدی در امور مالی مورد استفاده قرار می گیرد.

اما اگر از دید دیگری به تعاریف قناعت، نگاه شود، جدا از جامع و مانع بودن آن ها، تعریف مرحوم نراقی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، زیرا ایشان قید «ملکه نفسانی» را ذکر کرده اند که نشان گر دقت ایشان به امور اخلاقی است؛ زیرا امور اخلاقی تا به حد ملکه نرسد چندان سودی به حال انسان ندارد و از آن جا که قناعت یک واژه اخلاقی است، زمانی به حال انسان سودبخش است که به حد ملکه در آید؛ چرا که عدم ملکه شدن، گاهی فرد را به زحمت و مشقت دچار کرده و گاهی باعث فراموشی می گردد. به طور کلی قناعت به نوعی صرف نظر کردن از تمام امور نفسانی است. (مسکویه، بی تا) و به حد کفاف راضی بودن و آن حدی است که اگر کمتر از آن را داشته باشد مجبور به تکدی می شود، اگر بیشتر داشته باشد به اسراف دچار می شود و اگر برابر آن داشته باشد به دین عمل کرده است؛ اما تعیین این حد مشکل است. (انصاریان، ۱۳۶۷)

قناعت در واقع نوعی اعتدال و میانه روی در مصرف است که شخص دارای آن، حالت توطین نفس داشته و دچار افراط و تفریط که همانا درخست و اسراف تشخیص پیدامی کنند، نخواهد شد. در روایات یا آیات که این واژه ها به کار می روند به معنای اعتدال و میانه روی در مصرف است، مگر اینکه قرینه خاصی در آن مورد وجود داشته باشد.

امام علی علیه السلام در حدیثی می فرماید: «مَنْ قَنَعَ بِالْكَفَافِ إِذَا هُوَ إِلَى الْعَفَافِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰) هر کس به اندازه کفاف قناعت کند او را به عفاف خواهد رسانید. بنابراین قناعت از دیدگاه روایات به معنای رضایت مندی به مقدار کفاف و نیاز است و بیش از آن، حرص دانسته شده و مورد مذمت قرار

گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «كُلُّ بِنَاءٍ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَلَّ وَكَفَى» (حکیمی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۸۲).

رابطه قناعت و حیات طیبه

درواقع انسان در پرتو کسب و آراستگی و التزام به فضائل و از جمله قناعت در مصرف که در سایه بندگی حقیقی خداوند محقق می شود، میتواند به حیات طیبه در همین دنیایز برسد. یکی از راههایی که انسان را وارد دایره حیات طیبه میکند، قناعت در مصرف است. یعنی شخصی که رسیدن به کمال حقیقی، هدف و غایت اوست، همیشه خود را بنده خدامیداند و خود را ملتزم به کسب هر آنچه که او را به این مقصد می رساند، میکند. به او امر، عمل میکند و از نواهی اجتناب میکند. در حوزه مصرف نیز با توجه به محبوبیت ذاتی فضیلت قناعت، و نقشی که هم در نوع وهم در کیفیت مصرف دارد، شخص، سعی در لحاظ آن در زندگی و تقید، در کار بست آن به صورت حقیقی خواهد داشت. تا او را به سعادت و حیات طیبه برساند.

ائمه هدی (علیهم السلام) زندگی قناعت و رزانه را مصداق حیات طیبه و زندگی گوارا عنوان نموده اند چنانکه از امام علی (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) پرسیدند مقصود از حیات طیبه در آیه «فلنحیینه حیاة طیبه» چیست، فرمودند: «زندگی با قناعت» (دستی نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹). همچنین حضرت علی (علیه السلام) قناعت و رزوی را گواراترین و پاکیزه ترین گونه زندگی دانسته اند: «القناعه اهناعیش» (تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۲۳۲) قناعت گواراترین زندگی است. و نیز در سخن دیگری فرموده اند: «اطیبالعیش القناعه» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰) قناعت گواراترین زندگی است.

بر این اساس، از آن جایی که حقیقت زندگی طیب و پاکیزه را حرکت در مسیر کمالات الهی می داند، بهمسائل مادی در حد بر آورد نیازها بسنده کرده و قناعت و رزوی می کند و به آنچه خداوند روزی اش کرده رضایت می دهد و خشنود می باشد. از این روست که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حیات طیب را همان قناعت و رضایت مندی به روزی تقسیم شده از سوی خداوند می داند. (طبرسی، ص ۵۹۳ و زمخشری ۱۳۸۹ ج ۲ ص ۶۳۳)

اصولاً حیات طیبه بر دو اصل بنا شده است یکی ایمان و دیگری عمل. حال، مرد و زنی که به خالق جهان و تعالیم او در همه ابعاد و بخصوص معاد، ایمان دارند چون می خواهند به هدف نهایی که همان سعادت، قرب و کمال مطلق است، برسند، این رسیدن را بعد از ایمان در پرتو انجام وظایف متعددی می دانند که به عهده آنها گذاشته شده است. در باب مصرف نیز سعی بر حرکت بر مبنای دستورات شرع توأم با عقل و عقلانیت می کنند. دستورات شرع در مقوله مصرف خست و بخل را از یک طرف، و اسراف و تبذیر و تجمل را از طرف دیگر محکوم می نماید. لذا شخص، بهترین مسیر برای حرکت را همان اعتدال در مصرف می بیند. روشنترین مصداق آنرا هم در قالب قناعت و رضایت به مقدار لازم می بیند در نتیجه این شخص در لوای ایمان و عمل که از زیر بناهای حیات طیبه است، و به واسطه احراز آنها در مصرف صحیح، یقیناً به حیات طیبه می رسد.

عرضه روایات قناعت بر قرآن

در هیچ جای قرآن حتی در یک مورد، استفاده از نعمتهای الهی ممنوع نشده است. قرآن کریم در ارتباط با استفاده از نعمت‌های الهی می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»؛ (سوره ملک آیه ۱۵) او (پروردگار) کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید و بازگشت همه به سوی او است. خداوند نعمت‌های این جهانی را برای استفاده بشر خلق نموده و انسان در بهره‌گیری از آنها منعی ندارد؛ یعنی در مصرف از رزق و روزی محدودیتی ندارد. اما با توجه به آیات دیگر و روایاتی که در این زمینه در متون دینی وجود دارد، می‌توان دریافت که در بخش چگونگی و حدود مصرف از نعمت‌های الهی؛ مانند «کسب و درآمد»، معیارها و ضوابطی وجود دارد. و در روز قیامت به عنوان نعمت‌هایی که به انسان داده شد، مورد سؤال قرار خواهد گرفت: «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ النَّعِيمَ» (سوره تکوین آیه ۸). انسان باید در آن روز در محضر الهی پاسخ‌گو باشد که این نعمت‌های خدادادی را در چه راهی مصرف کرده و از آنها برای اطاعت الهی یا معصیتش کمک گرفته، یا نعمت‌ها را ضایع ساخته و هرگز حق آن را ادا ننموده است.

امام صادق از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله وسلم) مَنْ أَكَلَ مَا يَشْتَهِي وَلَبَسَ مَا يَشْتَهِي لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتْرُكَ»؛ (ابن همام اسکافی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴) هر کس هر گونه خوراکی که دلش می‌خواهد بخورد، و هر گونه جامه‌ای که دلش می‌خواهد بپوشد، و هر گونه مری که دلش می‌خواهد سوار شود، خداوند به او نگاه نخواهد کرد، مگر آن‌گاه که روش خود را تغییر دهد و از آن دست بردارد.

بنابر این، اگرچه خداوند نعمت‌های دنیا را برای انسان خلق نموده، اما برای استفاده انسان نیز اصول و چهارچوبی را معین کرده است. برخی از این اصول عبارت‌اند از:

۱- دوری از اسراف: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ (سوره اعراف آیه ۳۱) و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

۲- میانه‌روی در مصرف: میانه‌روی در مصرف و کنترل درآمد و هزینه، خود نعمتی از نعمت‌های بزرگ خداوند است که به فضل خویش بر بندگان محبوب خود الهام می‌کند. و آن را الگوی مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه معرفی می‌کند: «وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (سوره فرقان آیه ۶۷)

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ وَجَبَّهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْاِسْرَافِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰) هر گاه خداوند، خیر بنده‌ای را بخواهد میانه‌روی و حسن تدبیر را به او الهام می‌کند و وی را از سوء تدبیر و اسراف باز می‌دارد.

آن حضرت همچنین می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ»؛ (ابن شعبه حرانی ۱۴۰۴ ق ص ۵۱۳) بر شما باد به میانه‌روی در حال توانگری و فقر. «وَعَلَيْكُمْ بِالْاِقْتِصَارِ وَ اِيَّاكَ وَ الْاِسْرَافِ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ»؛ (اربلی، ۱۳۸۱ ق ج ۲ ص ۴۲۴) امام عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: بر تو باد به میانه‌روی، و

دوری از اسراف که کاری شیطانی است.

۳- پرهیز از فساد: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ (سوره بقره آیه ۶۰) از روزی های الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!

در کل از مجموع تعالیم و آموزه های دین اسلام در خصوص مدل اسلامی مصرف فهمیده می شود که این مدل در اسلام مبتنی بر سه اصل اساسی است: ۱. پرهیز از اسراف و تبذیر، ۲. استفاده از نعمت های الهی در حد اعتدال و میانه روی و دوری از خست، ۳. پرهیز از ظلم و فساد.

رابطه قناعت و رزیدن باعامل پیشرفت

قناعت به هیچ وجه مانع پیشرفت و تمدن سازی نبوده، بلکه به عکس می تواند عامل بسیار مهمی برای تمدن سازی و پیشرفت در جامعه اسلامی شود. شاهد این مدعا وضعیت فرهنگ و تمدن اسلامی و گستره آن و نیز میزان نفوذ و جهت دهی آن به سایر جوامع در قرون اولیه اسلامی است. تا زمانی که مسلمانان بروفق آموزه های اسلامی در بحث های مختلف علمی و غیر آن عمل می نموده اند، بسیار پیشرفت نموده و هر چه که به تدریج از این تعالیم اصیل فاصله می گرفتند، به همان اندازه و بلکه بیشتر از پیشرفت فاصله می گرفتند. پس قناعت که یکی از فضائل و تعالیم مورد تاکید اسلام است و بدان توصیه و تاکید شده است، نه تنها سد و مانع پیشرفت نیست بلکه فراهم کننده و بسترساز پیشرفت اقتصادی و پیشرفت همه جانبه است. چون التزام به صفتی مانند قناعت در حقیقت التزام به تمامی ویژگی های مثبتی است که در قالب فضائل آمده است. به دلیل آنکه شخصی که خود را در هر حال بنده خدا میداند، خود را پایبند به اوامر خدای دانند. چون اوامر خدا برای او محبوبیت ذاتی دارند. در نتیجه بابر خورداری از این فضائل چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی می تواند، خود و اجتماع را در بالاترین سطح ممکن نگاه دارد. حالا چه در حوزه مصرف و اقتصاد که پایه اصلی هر تمدن سازی و مایه دوام و قوام آن است و چه در سایر ابعاد. در سیره اقتصادی معصومین (علیهم السلام) اصل قناعت از مکمل های اصلی بحث کار و تلاش برای روزی است. کار و تلاش در برابر واگذاری امور به خدا قرار می گیرد و بسیار مورد سفارش معصومین (علیهم السلام) بوده است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) بر قناعت تاکید می ورزیدند همان گونه که بر سایر فضائل تاکید داشتند و این مهم علاوه بر کلام در رفتار ایشان نیز نمود داشته است زیرا نقش اسوه گیری ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست. حتی طی جریانی که امام صادق (علیه السلام) به غلام آزاد کرده خویش مال التجاره ای دادند که به نیابت از ایشان تجارت کند، و او نیز طی جریاناتی بیش از حد معمول سود کسب کرد، امام (علیه السلام) فقط سود متعارف از این تجارت را از او پذیرفتند و مابقی را دستور نمودند تا به صاحبانش باز گردانده شود.

قناعت به معنای تشویق به سستی، تنبلی و نداری نیست. بلکه قناعت به معنای روحیه ای است که در پرتو آن مسائل اساسی خود را فراموش نکنیم، عزت نفس خود را حفظ و با حداقل امکانات همزیستی مسالمت آمیز داشته باشیم. همان گونه که انسان را از دلبستگی افراطی به مال دنیا باز داشته و روحیه ایثار و

تعاون را در انسان زنده می‌کند، در مواردی نیز از نیازمندی و دست دراز کردن پیش دیگران باز می‌دارد. انسان قانع در انتخاب کسب و کار از مسیر درست دور نمی‌شود و کار او سبب نادیده گرفتن حقوق عمومی نمی‌گردد. چون به اندک از دنیا راضی است، کار خود را اگر در مسیر خدا باشد زیبا می‌داند، به آن علاقه دارد و از این رو با کسب حلال عزت خود را بدست آورده و از درخواست و سؤال از دیگران بیزار است.

امام علی (علیه السلام) قناعت را بهره‌مندی از دنیا به اندازه کفایت و رفع نیاز می‌داند. ایشان در تفسیر و ویژگی انسان قانع می‌فرماید: کسی که به اندازه کفایت زندگی، از دنیا بردارد به آسایش دست یابد و آسوده‌خاطر گردد در حالی که دنیاپرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است. (دستی، نهج البلاغه ۱۳۸۴) امام (ع) کسانی که مدعی قناعت‌اند اما اهل تلاش و مجاهدت نیستند و به دلیل راحت‌طلبی و خودخواهی، زهد منفی را برگزیده و به نام «قناعت» این شیوه را برگزیده‌اند، افرادی ناتوان و صفت می‌فرماید. که احساس حقارت در شخصیت آنان، تزویر به قناعت را زینت خود قرار داده‌اند. (دستی، نهج البلاغه ۱۳۸۴)

نکته مهم در تعریف قناعت راضی بودن و خرسندی است که این امر با ایمان به خداوند محقق می‌شود. ایمان قلبی به خداوند و پذیرش حق اول مرتبه رضاست و قبل از این، از آن اثری نیست و در مرتبه بعد طمأنینه نفس حاصل می‌شود و مرتبه رضا کاملتر می‌گردد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «چگونه مؤمن، مؤمن می‌باشد در صورتی که خشمناک است از قسمتش و تحقیر می‌کند منزلت خویش را با آنکه خداوند حاکم بر اوست». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ص ۵۱)

پس بنابراین قناعت به هیچ وجه برگشت به عقب و پسرفت در نوع نگاه و میزان و چگونگی استفاده از مواهب و نعمتها و امکانات نیست، بلکه یک رفتار مترقی و معقولی است که در حوزه مصرف و در مواجهه با مواهب و حتی جلوه‌های تکنولوژیک اتفاق می‌افتد. بدین معنا که اینطور نیست که به کسی از اسب و قاطر و... بجای وسائط نقلیه امروزی استفاده کند. گفته شود این شخص قانع است!!! بلکه استفاده مورد لزوم از وسائل رفاهی به شکلی که نیاز او را برطرف نموده و او را از اظهار حاجت به دیگران باز می‌دارد، عین قناعت است. و این شخص داخل در دایره قناعت بوده و به اصطلاح، قانع خواهد بود. یعنی شاخصه قناعت در اینجا، این نوع و نحوه استفاده است، اما شرطی که در این بین و در مواجهه با تمامی جلوه‌های مدنیت وجود دارد، این است که در عین، استفاده، از حد اعتدال خارج نشده و از محدوده نیاز که یا منجر به اسراف و تبذیر و یا بخل می‌شود، تجاوز نکند.

عرضه روایات قناعت بر سنت

قناعت و رضایت به مقدار لازم، منافاتی با سعی و تلاش و استفاده از نتیجه آن در زندگی و بهره‌وری از آن نیست بلکه شخص ساعی، مقدار لازم از نتیجه تلاش و کوشش خود را در جهت رفاه و استفاده خود و خانواده اش به مصرف می‌رساند و در مابقی در آمد حاصل، حقوق واجب خود اعم از خمس و زکات و یا مستحب مثل انفاق هزینه می‌کند. دین مبین اسلام با رفاه و توسعه بر اهل و عیال نه تنها

مخالفتی ندارد بلکه لزوم آنرا نیز مورد تاکید قرار می دهد روایات چندی وجود دارد، که دعوت به این توسعه را سفارش و از تنگ گرفتن بر خانواده بر حذر می دارد.

این همان معناست که انسان با نگاه اولیه به روایات قناعت احساس می کند. در واقع نوع حرکت در قناعت حرکتی معتدل در مصرف است که اگر بیشتر مصرف کند، اسراف کار و اگر کمتر مصرف کند به خست و اگر حالت توطین نفس در شخص نبوده و در دل میل شدید به مصرف را پیوراند به حرص و طمع مبتلا می گردد. اگر چه در عمل بدان ملتمز نباشد.

در باب توسعه در زندگی و اینکه با تعالیم اسلام در باب قناعت منافاتی نداشته بلکه لزوم توسعه مورد تاکید این دین عزیز و پیشوایان گرانقدر آن است، به برخی از روایات اشاره می شود:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ عِشْتَرَى دَارًا وَ أَمَرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَقَالَ إِنَّ مِنْزِلَكَ ضَيْقٌ فَقَالَ قَدْ أَحَدْتُ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عِ إِنَّ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۲۵)

در کافی روایتی نقل شده که وقتی عاصم بن زیاد لباس های معمولی خود را در آورد و عبای زهد بر تن کرد و برادرش ربیع بن زیاد از وی نزد امام علی (علیه السلام) شکایت کرد که او با این کارش زن و فرزندش را اندوهگین کرده است. حضرت، عاصم بن زیاد را احضار کرد. و وقتی او را نزد امام (علیه السلام) آوردند، با چهره ای در هم و عبوس به او فرمود: آیا از خانواده ات شرم نکردی؟ آیا بر فرزندت رحم نکردی؟ آیا گمان می کنی خداوند با آنکه پاکیزه ها را بر تو حلال فرموده، استفاده آنها را برای تو نمی پسندد؟ تو برای خدا پست تر از این هستی! آیا خدا نیست که می فرماید: «و الارض وضعها للاتام فيها فاكهه و النخل ذات الاكمام. (سوره الرحمن آیات ۱۰ و ۱۱). (و زمین را برای مردم گسترده کرد. زمینی که در آن میوه ها و نخل دارای غلاف هست). آیا خدا نیست که می فرماید: «مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان... يخرج منهما اللولو و المرجان. (سوره الرحمن آیات ۱۹-۲۲) (دو دریا (یکی شیرین در مخازن زیر زمینی و یکی شور در اقیانوس ها) را بهم متصل کرد. و بین آن دو فاصله ای قرار داد تا به یکدیگر تجاوز نکنند... و از آن دو لولو و مرجان بیرون می آید.». «پس به خدا سوگند! خوار شمردن نعمت های خدا با عمل برای خداوند پسندیده تر از خوار شمردن آنها با زبان است. در حالی که خداوند فرموده است: «و اما بنعمه ربك فحدث (و اما در باره ی نعمت پرودگارت سخن بگوی)» عاصم گفت: ای امیر مومنان (علیه السلام)! پس چرا خود تو به غذای درشت و لباس خشن اکتفا می کنی؟ فرمود: «وای بر تو! هر آینه خداوند، بر رهبران عدل واجب نموده که خودشان را هم سطح ضعیف ترین مردم کنند تا فقر، بر فقیر فشار نیاورد». سپس عاصم بن زیاد عبادی زهد را از بدن بیرون آورد و لباس معمولی پوشید.

عرضه قناعت بر عرف جهانی

همانطور که اشاره شد معنای قناعت رضایت به مقدار مورد نیاز می باشد. که در حوزه مصرف اتفاق می افتد. با توجه به معنای لغوی واژه قناعت، این رضایت مندی در حوزه تولید رخ نمی دهد و مانع

از سعی و تلاش نیست. خداوند در قرآن کریم به سعی و تلاش تاکید فرموده است « لیس للانسان الا ما سعی» (سوره نجم آیه ۳۹). در نتیجه شخص قانع می تواند تولید کننده آنهم در بالاترین سطوح باشد. این از یک طرف و از طرف دیگر بواسطه تولید و کار و فعالیت، یکسری دستاوردهای مادی نصیب انسان می شود. در اینجا اموال بدست آمده یا به اندازه کفاف و نیاز اوست و یا بیشتر از آن است و یا حتی کمتر. در صورت اول این شخصاً به همان مال در حد کفاف قناعت می کند اما دست از تلاش برای موقعیتهای و شرائط بهتر در امور اقتصادی و تولید در عرصه اجتماع بر نمی دارد، در صورت دوم، مقدار لازم برای معیشت خود را برداشته و باقی آنرا یا انفاق کرده و یا در مسیر تولید قرار می دهد و یا هر دو. و در صورتی که کمتر از نیاز او بوده آنوقت دیگر بر او اطلاق فقیر می شود.

حال در اینجا این پرسش به ذهن متبادر می شود که: اگر چنانچه، معنای رضایتمندی به مقدار کفاف را در روزگار امروز که دوران مدرنیته و پیشرفت و بالتبع مصرف زدگی است، بکار ببندیم آیا باعث بروز مشکلاتی مانند عقب ماندگی، و احیاناً مشکلات خانوادگی، روحی و معیشتی نخواهد شد و اساساً جهان با وضع امروز، پذیرای قناعت به این معنا است؟ با اندک تفحص در احوال زندگی مردمان کشورهای غربی می بینیم (غیر از مصرف گرایی که در کشورهای هدف تبلیغ می کنند) که حقیقتاً آنها در روش زندگی و مصرفشان بیشتر از حد مورد نیاز و کفافشان مصرف نمی کنند. البته عواملی مانند مالیات و هزینه های سنگین و... باعث این حالت قهری شده است. اما بهر حال در باب خرید، انواع مصرف، همیشه سعی بر عدم تجاوز از حد نیازشان می کنند و این حالت عمومی را می شود در همه جا (به شکل اکثریتی) دید و این حقیقت مورد پذیرش تمام نسلها بوده، همگان خود را بدان ملتزم کرده آنرا به عنوان واقعیت زندگی خود پذیرفته اند.

لذا مصرف در حد نیاز و کفاف، که به عنوان معنای قناعت آمده است، چه از نظر عقلی و چه از نظر عرف جهانی مطلبی کاملاً پذیرفته شده است.

ملاک شأن در قناعت در مصرف

خداوند، به انسان ذاتاً کرامت داده، و امکانات متناسب با آن را در اختیار وی نهاده و بدین وسیله وی را بر بسیاری از مخلوقات دیگری برتری داده است.

«و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقنا هم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (سوره اسراء آیه ۷۰) «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آنان را بر مرکب های آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آنهم چه برتری؟»

انسان موظف است این کرامت ذاتی را حفظ کند و در این راه از هزینه لازم مادی و معنوی دریغ نورد، برای حفظ کرامت انسان، عناوین ثانوی مترتب می شود از جمله حفظ آبرو و عزت نفس که یکی از اموری است که در جهت حفظ کرامت ذاتی انسان لازم است، و در این راه از هیچ کاری نباید فرو گذاری کرد، و اگر مستلزم هزینه مالی باشد، نباید کوتاهی نمود. امیرالمومنین (علیه السلام) در این

باره می فرماید:

«ان افضل الفعال صبیاته العرض بالمال» (کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۴ ص ۴۹) «بهترین کارها، حفظ آبرو به وسیله مال است.»

آنچه از مجموع آیات و روایات و سایر آموزه های دینی استفاده می شود، این است که ملاک اصلی در تمام موارد، حتی در موارد حفظ آبرو و عزت انسانی واقعی، به لحاظ مورد و میزان مصرف، نیاز و در حد کفاف است.

تفاوت های فردی در قناعت

نکته ای که باید در مسأله قناعت در نظر داشت این است که تفاوت های فردی افراد مد نظر باشد. در این مسأله نمی توان همه افراد را به یک گونه دید؛ چه بسا فردی با توجه به وضع و ساختار زندگی و موقعیت خانوادگی و اجتماعی به طور مثال به ماهی صد هزار تومان و غذا، ماشین و خانه معمولی قناعت کند و فردی دیگر برای اداره زندگی به مقدار بیشتر و نوع بهتری نیاز داشته باشد و در عین حال هر دو به اصطلاح افراد قانعی باشند. در این ارتباط نمی توان قاعده کلی ارائه داد و این موضوع حتی برای یک فرد در زمان ها و موقعیت های مختلف هم فرق می کند، به عنوان مثال چه بسا فرد مجرد به وضعی بسازد که اگر دارای اهل و عیال شود نتواند آن وضع را تحمل کند و یا فردی قبل از مسؤولیت به اندک چیزی از امکانات زندگی قناعت کند، ولی پس از پذیرش مسؤولیت نتواند با آن وضع زندگی کند. البته باید برای هر فرد، در هر زمان و موقعیت، مقدار کفاف همان زمان و موقعیت را در نظر گرفت،

آثار سوء قانع نبودن

الف) ذلت و خواری: کسی که به آنچه خدا برای او مقدر کرده است راضی نباشد، خواه ناخواه چشم طمع به مال دیگران خواهد داشت که در نتیجه، دست نیاز به سوی آنان دراز خواهد کرد و این خود موجب ذلت و خواری او خواهد شد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: چه زشت است برای مومن که میل و رغبتی در او باشد که او را خوار و ذلیل کند. (کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۲ ص ۱۳۹)

علامه مجلسی در توضیح حدیث می گوید: مقصود از میل و رغبتی که نکوهش شده و سبب ذلت و خواری انسان می گردد، آن است که دست به سوی مردم دراز کند و از آن چیزی بخواهد، اما سوال کردن از خدا و توجه و رغبت به پروردگار گذشته از این که ذلت آفرین نیست، سرمایه سربلندی و عین عزت است. (مجلسی ج ۷۰ ص ۱۷۱، ۱۳۶۲)

ب) نگرانی دائم: از نتایج آز و طمع، نگرانی و تشویش خاطر است.

امام باقر (علیه السلام) درباره نزول آیه: «هرگز چشم خود را به نعمت های مادی که به گروه هایی از آن ها داده ایم میفکن که این ها شکوفه های زندگی دنیا است و برای آن است که آنان را با آن بیازماییم و روزی پروردگارت پایدارتر است»، می فرماید: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وقتی این آیه را

شنید راست نشست و فرمود: هر کس به خدا دل نبندد حسرت دنیا او را از پای در می آورد، و هر کس چشم از مال و ثروت مردم بر ندارد حزنش طولانی شود و خشمش فرو ننشیند، و هر کس نعمت خدا را تنها در خوردنی ها و نوشیدنی ها ببیند عمرش کم و عذابش: درد و رنجش: نزدیک شود. (مهدوی کنی ۱۳۷۶)

بنابراین، انسان باید همیشه در زندگی اعتدال و میانه روی را از دست ندهد و قناعت را پیشه خود سازد، که در غیر این صورت، روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید.

قناعت در زندگی مردان و زنان

ارزش و جایگاه خانواده در دیدگاه اسلام بالا بوده و میزان تاثیر آن در تکوین و شکل گیری شخصیت فرزندان در جای خود به اثبات رسیده است. مرد در خانواده به عنوان سرپرست و یکی از ارکان مهم آن، در نوع عملکرد خویش و بخصوص در رویکرد اقتصادی خود، هر مقدار که به ارزشها و فضائل اخلاقی نظیر قناعت که در جهت سالم سازی محیط خانواده و رسیدن به رشد و تعالی آن بیشتر توجه کند، رسیدن او و خانواده اش به اهداف اصیل اسلامی مشخص شده، از قابلیت تحقق بیشتری خواهد داشت. چون مرد همزمان که بدنبال جلب رفاه و آسایش و عزت و سربلندی، در پرتو تخلق به فضائل مانند قناعت برای خود و خانواده اش است، همزمان بایستی از تجمل گرایی، اسراف و نظایر آن پرهیز داشته تا به آن تعالی مورد نظر اسلام برسد. و این مطلب همان مسیر رشد و ترقی بوده که لازم است به سرپرستی مرد طی شود، تا به آن هدف غایی که عبارت از قرب و کمال است، دست پیدا کند.

از طرفی زنان نقش تاثیر گذارتری نسبت به مردان در جهت گیری کلی خانواده به سمت اهداف اسلامی دارند. در بعد اقتصادی و بخصوص در باب فضیلت اخلاقی قناعت این مساله صدق می کند. عدم درخواستهای فوق طاقت مرد، پرهیز از اسراف و تبذیر و تجمل و حرص و طمع و... اجرا و پیاده سازی قواعد تربیتی اصیل بر مبنای شریعت مقدس اسلام، فراهم سازی محیط آرام و آسایش توأم با رشد، از جانب زن که ستون اصلی خانواده می باشد، می تواند تاثیر شگرفی در تک تک اعضای خانواده برای رسیدن به قله های رفیع ترسیم شده در دین مبین اسلام داشته باشد.

دقت در آثار ارزشمند فردی و اجتماعی، قناعت، ما را به این نتیجه رهنمون می کند که برای برخوردار شدن از زندگی راحت، طیب، و همراه با عزت و...، باید هم خود قناعت را پیشه خود ساخته و هم زندگی اجتماعی خود را نیز با فرد قانعی انتخاب کنیم. این ایده آل ترین شرایطی است که بر اساس آن می توان به زندگی ایده آل و مورد سفارش اسلام، نایل شد.

در روایت است که فردی به نام ابراهیم کرخی به حضور امام صادق (علیه السلام) رسیده، عرضه داشت: «همسر موفقی داشتم که از دنیا رفت و اینک قصد ازدواج دارم. حضرت فرمودند:

بین خود را کجا قرار می دهی... زنان سه دسته اند: زن زایای مهربان، که شوهر خود را در کار دنیا و آخرتش یاری می رساند و روزگار را بر او سخت نمی کند. زن نازا و بی بهره از زیبایی، که شوهرش را در امور خیر یاری نمی رساند، و زن پر سر و صدا، پا به در و عیب جو که زیاد را اندک می شمارد و کم

رانمی پذیرد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۲۷).

از این روایت اهمیت انتخاب همسر قانع روشن می‌شود. فراز آخر روایت تصریح می‌کند، زنی که خدمات زیاد همسر را کم به شمار آورد و خدمات کم او را نپذیرد، از جمله زنان شایسته برای گزینش به عنوان همسر نیست؛ ازدواج با او کمتر به آرامش و سازگاری منجر می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین اقدام در این جهت، انتخاب همسر قانع و قدر شناس است. در روایتی چنین آمده است:

روزی علی (علیه السلام) به فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: آیا غذایی نزد تو هست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (سلام الله علیها) گفت: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تورا به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه داشته‌ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم به دیگران داده‌ایم. پس علی (علیه السلام) فرمود: ای فاطمه، چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه (سلام الله علیها) گفت: ای ابا الحسن، من از خدای خود حیا دارم که تورا بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی.

از این روایت، نتیجه گرفته می‌شود که کتمان نیازها و بازگو نکردن آن در نزد همسر، به ویژه هنگامی که تأمین آن برای او ممکن نیست، از مصادیق بارز قناعت و موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی مشترک خواهد بود.

علاوه بر این، گاهی مناسب است با توجه به شرایط زندگی، همسر فرد، نه تنها از او درخواستی نکند، بلکه سعی کند او را در اوج مشکلات معیشتی به صبر سفارشی و به توجه به عنایات خداوند متعال و توکل بر او ترغیب کند.

مردی به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شرفیاب شد و عرض کرد: همسری دارم هر گاه وارد منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و چون خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند. هر گاه مرا غمگین می‌بیند، می‌گوید: چرا ناراحتی؟ اگر برای روزی خود نگرانی، دیگری (خداوند) عهده‌دار آن است و اگر برای آخرت خود بیمناکی، خداوند دل مشغولی تو را بیشتر سازد. پس رسول خدا (ص) فرمودند: «ان لله عمالاً و هذه من عماله لها نصف اجر الشهيد»؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۳۲) به درستی که برای خدا کار گزارانی است و این زن از کار گزاران خدا است که برای او نیمی از پاداش شهید است. این همسر قانع نه تنها خود با مشکلات کنار آمده است و توقعی از همسر خویش ندارد، بلکه زمینه بروز هر گونه ناراحتی در زمینه معیشت را نیز از همسر خود دور می‌کند. چنین زن و شوهری در کنار نقش همسری بسیار مطلوب نقش والدینی خوبی نیز ایفا می‌کنند. با داشتن ویژگی قناعت، پذیرش والدین بالا می‌رود و با موقعیت‌های مختلف کنار می‌آیند. والدینی که درجه پذیرش بالایی دارند، روش فرزند پروری صحیح بر مبنای اصول تربیتی شریعت مقدس اسلامی را اتخاذ می‌کنند و این تربیت صحیح که بر مبنای اصول و ضوابط دینی است، شخصیت، حرمت و عزت نفس فرزند را به دنبال دارد.

صفت قناعت که از صفات ممتاز اخلاقی به شمار می‌آید، در استحکام بنیاد خانواده اهمیت خاصی دارد. همچنین آثار مهمی بر آن مترتب می‌شود که در اینجا به آنها می‌پردازیم:

آثار قناعت در زندگی مردان و زنان

مهم ترین نتایج ارزشمند قناعت که بر زندگی مردان و زنان سایه گستر می شود، یکی آسایش است. آسایش و راحتی فردی است که به این صفت متصف می شود. در بُعد خانوادگی نیز اکتفا کردن فرد به امکانات موجود، بسیاری از نگرانی ها را از زندگی مشترک دور می سازد. امیر مؤمنان (علیه السلام) آمده است: «الرضا ینفی الحزن؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۳) رضایت و قناعت اندوه را از بین می برد». همچنین آسایشی که از قناعت سرچشمه گرفته است، زمینه ی برخورداری همسران از زندگی دلپذیر و گوارا را فراهم می سازد. این نتیجه ارزشمند در روایات با تعبیرهای گوناگونی بیان شده است. در روایتی از آن به زندگی گوارا تعبیر شده است:

عن الصادق (علیه السلام): «خمس من لم یکن فیه لم یتهنأ العیش الصحه و الامن و الغنی و القناعه و الانیس الموافق؛ (محمدباقر مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸۳) کسی که پنج چیز در او نباشد، زندگی برایش گوارا نیست؛ سلامت، امنیت، بی نیازی، قناعت و همسر موافق».

عزت و نفوذ ناپذیری، دیگر اثر ارزشمند قناعت است. فردی که به آنچه دارد قانع نیست، همواره در صدد آن است که کمبودهای مادی خود را برطرف سازد. از این رو دست یافتن به آنچه که فرد در اختیار ندارد، مستلزم ابراز نیاز مداوم به دیگران است و این همان چیزی است که عزت و نفوذ ناپذیری فرد را به شدت به خطر می اندازد. به همین دلیل، در روایات بسیاری قناعت، سبب عزت دانسته شده است (حسین زاده، ۱۳۹۱) حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «القناعه تؤدی الی العز؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰) قناعت به عزت منتهی می شود».

نتیجه گیری

توجه به اهمیت قناعت در آرامش و آسایش زندگی و خانواده از زمینه های انگیزه ساز برای رو آوردن به قناعت و برخورداری از آثار آن است. برای رسیدن به این مهم، اولین مسئله شناسایی عوامل ایجاد و تقویت قناعت در زندگی مردان و زنان و نیز شناخت آثار قناعت در زندگی و نقش و جایگاه آن در رسیدن به حیات طیبه است. شرط لازم برای رسیدن به این مهم، معرفت و شناخت برای وصول به عزت، برخورداری از زندگی گوارا و آسایش است. با عنایت بر بحث های لغوی و بیانات معصومین این نکته روشن می شود که قناعت به عنوان حافظ کرامت انسانی و ضامن بقاء و توانایی جامعه و خانواده می باشد. قناعت یعنی مصرف صحیح و استفاده بهینه از مواهب و نعمت های الهی که به بهترین صورت به وسیله قرآن و احادیث بیان شده است.

قناعت راهبرد مشخص و روشنی است که ثمره آن عزت و مناعت طبع و خودسازی و میانه روی و خردمندی و آسایش و توانگری است.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، النص، ص، ۵۱۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن همام اسکافی. (۱۴۰۴ ق). محمد بن همام بن سهیل التمیص، ص ۳۴، قم، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ق). کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، محقق، مصحح، رسولی محلاتی، هاشم، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول.
- انصاریان، حسین. (۱۳۶۷). عرفان اسلامی، جلد ۷، تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۰). غرر الحکم و در الحکم، ترجمه و شرح خوانساری جمال الدین تصحیح و تعلیق حسینی ارموی، جلال الدین، تهران دانشگاه تهران.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- حسین زاده، علی. (۱۳۹۱). همسران سازگار، راهکارهای سازگاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سیزدهم.
- حکیمی، محمد رضا. (۱۳۷۶). الحیاء، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۴). نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
- زمخشری کشاف، ترجمه مسعود انصاری (۱۳۸۹). نشر ققنوس، تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، هاشم مصحح رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی. (۱۳۷۲). تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- قرآن کریم
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). اصولکافی، ترجمه علی اکبر محقق غفاری و محمد آخوندی، انتشاراتادارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم.
- مجلسی محمدباقر. (۱۳۶۲). بحار الانوار، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۳-۱۳۶۲ ش). میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، انتشارات رقی،
- مسکویه، احمد بن محمد (بی تا). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق قم، محقق: عماد هلالی، ناشر: طلّیعه النور، نشر: قم.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۶). نقطه های آغاز. رک، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

The Contentment as Ethical Virtue in Man and Woman life

* S. K. Mousavi

Abstract

Islamic texts have been always insisting on contentment as substantial value. And it has been considered as one of the significant aspects of Islamic consumption style which cause empowerment, maintain life and lead to Ideal life style. The current paper purposed to take in consideration the contentment as ethical virtue in man and woman life based on the Holy Quran, records of the words and deeds of the Prophet of Islam and Islamic genuine resources. The relation of contentment and sacred life also was reviewed. The study intended to brightly verbalize an accurate explanation for contentment. The role and function of contentment in man and woman life and its consequences was stated by introducing Islamic narration and the words and deeds of the Prophet of Islam. It was concluded that Islam introduced contentment as an exclusive recommendation for a better material and mental life. Contrary to common attitude contentment is not to suffer a toiling way of life but it was introduced as planned way of life

Keywords: Contentment, Ethical Virtue, Man and Woman life

*PhD student. in Quran and Hadith Sciences University of Qom, Department of Islamic Sciences, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran. (corresponding author, email: skhoseni@yahoo.com)